

دیدگاه

شماره: ۲۰۱	موضوع: رویکرد توزیع کالا و تنظیم بازار در فضای اقتصاد مقاومتی در صورت استمرار تحریمها
تاریخ: ۱۳۹۱/۰۶/۱	

تهیه و تنظیم: محمد رضا صادقی فروشانی

توضیح اجمالی:

جعفر قادری عضو کمیسیون برنامه و بودجه و فراکسیون اصولگرایان رهروان ولایت مجلس شورای اسلامی گفت: "دولت با عدم پرداخت سهم تولید در اجرای قانون هدفمندی یارانه ها موجب شد تا بسیاری از کارگاهها و کارخانه های تولیدی تعطیل و نه تنها وعده ایجاد ۲.۵ میلیون شغل جدید عملی نشد بلکه اجرای نادرست این سیاست باعث از دست رفتن میلیونها فرصت شغلی گردید. در اثر اجرای نامتناسب سیاستهای فوق نرخ تورم و در نتیجه نرخ ارز افزایش پیدا کرده و موجب افزایش بعدی هزینه تولید و واردات مواد اولیه شده است." در علم اقتصاد شاخصهایی نظیر نرخ ارز، تورم و بیکاری همچون علائم وسیگنالهایی هستند که وجود نوعی بیماری در اقتصاد را دلالت می کنند وهمانگونه که در عفونتهای وارد شده در بدن انسان صرفا با علامت بیماری (تب) مبارزه نمی شود در اقتصاد نیز در صورت تجویز راه حل برای معلولها وسیگنالها که خود نتیجه یا نشان بیماری هستند و نه علت آن، در موج بعدی ناشی از مداوای نادرست، عفونت و تب مرتبط با آن با همه شدید تری بروز خواهد یافت. افزایش نرخ ارز و مواد اولیه وارداتی معلول تورم و تورم نیز معلول مجموعه ای از سیاستهای پولی و مالی و ارزی است که فرآیند اصلی تاثیر گذاری آن در تقدیر گاه تصویب بودجه در مجلس شورای اسلامی ومصوبات دولت و توان ظرفیت کل اقتصاد جلوه می نماید. بنابراین برای تحقق و توفیق اقتصاد مقاومتی بایستی با علت العلل مشکلات اقتصادی در منشاء صدور سیاستهای پولی، ارزی و تولیدی و سیاستهای موجهه این مشکلات توجه نمود و سیاستهای نادرست و غیر منطبق با اقتصاد مقاومتی با توجه به شرایط فعلی استمرار تحریم در هر مرحله ای که هستند متوقف یا منطبق با شرایط فعلی کشور بازنگری و اصلاح شوند. بدیهی است اجرای عینی سیاستهای تئوریک فوق بعضا با دشواری هایی در عمل همراه اند. نمونه ومثال موردی: سیاستهای ارزی اعم از تک نرخ یا چند نرخ و همچنین سیاست اولویت بندی یا سهمیه بندی کالاهای وارداتی مرتبط با آن قابل ذکر است که از یک طرف رجحان سیاست تک نرخ در شرایط عادی مورد وثوق است اما قابلیت اجرا و عملی بودن آن در شرایط فعلی مورد سوال است و اینجاست که سیاستگذاران بایستی بین تبعات منفی و مفاسد رانتهی سیاست چند نرخ یا تلاش مضاعف اما غیر موثر تریق میلیاردها دلار ارز به بازار برای تثبیت نرخ ارزی که خود معلول موج تورم حاصل از سیاستهای قبلی است یکی را انتخاب کنند. و راه سوم نیز تعیین نرخ ارزی است که منطبق با شرایط فعلی کشور و مورد قبول نسبی فعالین اقتصادی (با رعایت اصل تشویق صادرات و تولید و مراعات هزینه واردات) باشد. بدیهی است (با توجه به معلول بودن افزایش نرخ ارز) تشخیص اینکه اتخاذ کدام سیاست ارزی مبارزه با علت و کدام یک مبارزه با معلول است با توجه به تورم و شاخصهای فوق امری سهل اما ممتنع است. با ذکر این مقدمه به ذکر نکاتی در خصوص رویکرد منطبق با شرایط اقتصاد مقاومتی در بخش توزیع کالا و تنظیم بازار با عنایت به استمرار تحریمهای اقتصادی علیه ایران می پردازیم.

نکات کلیدی:

- ۱ - برابر مستندات موجود در اجرای فاز اول هدفمند شدن یارانه ها از بخش تولید متناسب با شرایط اقتصادی، حمایت اصولی و کافی بعمل نیامد.
- ۲ - با توجه به متوقف بودن اجرای فاز دوم هدفمندی به تدریج آثار ومزیای مثبت مرحله اول در حال کم رنگ تر شدن و آثار منفی آن با توجه به افزایش نرخ ارز و هزینه های تولید و آثار تورمی آن در حال تشدید یا بروز وظهور است.
- ۳ - همانگونه که قبلا در دیدگاه شماره ۹ در آذر ماه ۱۳۹۰ ذکر شد ویژگی چنین مرحله ای این است که کشورهایی که در حال گذار از یک مرحله به مرحله بعد هستند در صورتی که در مرحل اول خود را برای صعود به مرحله بعد آماده نکنند و سهم توجهات را در تخصیص منابع تولید اقتصادی تغییر نداده باشند، دچار خسارت و شرایط نامساعد می شوند به نحوی که عوارض ناشی از ورود به مرحله ۲ (نظیر افزایش هزینه ها و حقوق کارگران) را دارند اما از مزایای این مرحله که همان ارتقاء کارایی و کاهش هزینه ها برای تامین رقابت پذیری است، برخوردار نمی باشند لذا با افزایش بی نتیجه قیمتها به تدریج رقابت پذیری خود را از دست می دهند.
- ۴ - نویسنده براین باور است که منطق حذف کامل یارانه های پنهان با واقعیات اقتصادی و شرایط کشور نا سازگار است زیرا به محاق رفتن اجرای مرحله دوم طرح هدفمندی یارانه ها از یک طرف و افزایش مضاعف بار مالی هزینه های دولت ناشی از دو عامل افزایش هزینه های تولید حاملهای انرژی، سوخت، آب، برق، گاز و حتی افزایش شکاف قیمت خرید تضمینی گندم با قیمتهای تعیین شده در مرحله اول هدفمندی سبای نان و مزید بر آن سببگینی کردن هزینه هنگفت پرداخت نقدی یارانه خانوار بر دوش دولت، همگی دال بر این است که شکاف یارانه ای و هزینه های پنهان و پیدای آن در حال افزایش است و از طرفی شاید ملاحظات مربوط به بودجه خانوار و خط فقر امکان اجرای مرحله دوم هدفمندی را میسر نسازد.
- ۵ - تراز کردن نرخ حقیقی ارز با تورم موجود یا تعیین نرخ تعادلی برای آن، که با در نظر گرفتن سایر شرایط، متضمن تشویق تولید و صادرات و متناسب شدن نرخ تعرفه واردات باشد یا اولویت بندی واردات کالا برای تخصیص و شمول ارز مرجع هم اکنون جزو یکی از انتخابهای دشوار دولت قرار دارد که هر یک مضرات و معایبی دارد. منجمله اینکه در یکی با قبول مقداری رانت برای وارد کنندگان (گرفتن ارز مرجع و فروش کالا به نرخ آزاد) از تبعات تورمی افزایش یا تعادلی کردن نرخ ارز پرهیز نماییم یا اینکه بطور کلی از مفاسد اقتصاد رانتهی و چند نرخ ارز اجتناب نماییم و واقعی شدن قیمتها را قبول نماییم در آن صورت افزایش غیر قابل تحمل هزینه های خانوار را چگونه پاسخ دهیم.
- ۶ - لذا با عنایت به واقعیتهای فوق پیشنهاد می شود

الف- تا اطلاع ثانوی و تا بهبود شرایط، پرداخت یارانه نقدی متوقف یا از افزایش آن به هر عنوانی اجتناب شود

ب- جهت اجتناب از تبعات منفی چند گانه بودن نرخ ارز، نرخ تعادلی متضمن شرایط و صفات پیش گفته برای ارز تعیین و اعمال شود. و در مقابل برای حفظ قدرت خرید مردم خصوصا اقشار آسیب پذیر سیستم الکترونیکی توزیع کالاهای اساسی مورد نیاز مردم (کارت توزیع هوشمند سهمیه کالا) از محل منابع فعلی یارانه نقدی و... یا اصلاح نرخ ارز طراحی و اجرا شود. و تا زمان توفیق اقتصاد مقاومتی و رفع تحریمها، طرح هدفمندی به تعویق بیفتد و اجرای آن به زمانی دیگر موکول شود.

تأیید رئیس موسسه:

تأیید رئیس گروه مشاوران: